

با مردم، برای مردم

گاهی به الگوی کار فرهنگی اجتماعی در طراز انقلاب

روح الله ایزدخواه

آنچه در ادامه می‌خوانید خلاصه گزارشی است از دو سخنرانی دکتر روح‌الله ایزدخواه نماینده مجلس و کارشناس مسائل فرهنگی و اقتصادی که در همایش اجتماع فعالان جبهه فرهنگی اجتماعی انقلاب اسلامی در مشهد ایراد شده است. فیلم کامل این دو سخنرانی در کانال آپارات «یاران خراسانی» قابل مشاهده است.

امام(ره) و «توسل» به مردم!

امام خمینی(ره) در سال ۶۲، نگاه مبنایی خود به نقش مردم در پیشرفت کشور را چنین بیان می‌کند: «بدون پشتیبانی (مردم) نمی‌توان کار کرد و پشتیبانی هم به این نیست که مردم الله‌اکبر بگویند؛ این پشتیبانی نیست. پشتیبانی این است که مردم همکاری کنند و شما به آنها مجال بدهید که همکاری کنند. معنی پشتیبانی این است که خود آنها عمل بکنند. که اگر این‌گونه عمل شود، هم سرمایه‌هایی که ممکن است نیاورده باشند وارد می‌شود و هم اینکه اشخاصی که فکر می‌کنند جمهوری اسلامی نمی‌خواهد برای مردم کار کند، می‌فهمند که این‌گونه نیست و می‌خواهد کار کند». عبارت آغازین امام در صدور فرمان تشکیل جهادسازندگی چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم؛ ما در مشکلات باید متوسل بشویم به ملت.» مفهوم «توسل» به ملت، دارای معنای عمیق و خاصی در منظومه فکری امام و انقلاب است که اساساً با الگوهای رایج «مشارکت» که برآمده از تئوری‌های غربی است، تفاوتی بنیادین دارد.

وظیفه جهادگر؛ «به هم‌رسانی» مردم-امکانات

اگر به حرکت‌های اصیل اجتماعی جهادی برآمده از انقلاب اسلامی در دهه ۶۰ نگاهی بیندازیم مواردی نظیر جهاد سازندگی در عرصه روستاها، نهضت سوادآموزی در عرصه آموزش، جهاد دانشگاهی در بحث علم و فناوری، بسیج در عرصه امور دفاعی و جنگ، جهاد خودکفایی در حوزه صنعت و... را مشاهده می‌کنیم. فصل مشترک همه این حرکت‌ها اولاً این بوده که مردم در متن کار بوده‌اند. کار، توسط مردم انجام می‌گرفته است نه «برای» مردم؛ چراکه اکثر این حرکت‌ها از سازمان مشخص و کادر استخدامی و... برخوردار نبودند که بگوییم پشتوانه بوروکراتیکی داشته‌اند، بلکه با حضور واقعی خود مردم پاگرفته‌اند. ویژگی بعدی این حرکت‌ها در این است که جهادگر قرار نبوده صفر تا صد کار را انجام بدهد و کار به نام او و توسط او آغاز شود و اتمام یابد. خیر! بلکه رسالت و مأموریت جهادگر، آزادسازی انرژی عوامل تأثیرگذار برای حل مسئله بوده است. اساس کار توسط خود مردم صورت می‌گرفته است. ویژگی بعدی، این بوده که جهادگران در واقع نقش به هم‌رسانی عوامل را عهده‌دار بوده‌اند. جهادگران نیازها، امکانات و ظرفیت‌ها را شناسایی می‌کردند و «توسط» مردم این دو را به

یکدیگر متصل می‌ساختند. کار را مردم شروع می‌کنند و مردم به اتمام می‌رسانند، جهادگر در میدان است لیکن نقشش به هم‌رسانی عوامل و زمینه‌های مورد نیاز برای حل مسئله است.

هدف نهایی: تحقق اسلام ناب محمدی

حضرت امام در آخرین پیامشان به جهاد سازندگی در سال ۶۷ فراز تاریخی و مهمی می‌فرمایند: «جهاد، شمایل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و پیکار علیه فقر و تنگدستی و رذالت و ذلت است.» و بعد از این می‌فرمایند: «فرزندان عزیز جهادی‌ام! به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی – صلی الله علیه و آله و سلم – است.» این تعریف و نگاه امام به مسئله جهاد و کار اجتماعی است. بنابراین ماموریتی که امام برای کار جهادی می‌بینند تحقق اسلام ناب محمدی ذیل تمدن اسلامی است. از این منظر اگر به ماموریتی که رهبر انقلاب بر عهده فعالان انقلابی گذاشتند نگاه کنیم، درمی‌یابیم که رسالت سنگینی بر دوش همه فعالان این حوزه است. حضرت آقا در اول خردادماه ۹۸ در این زمینه می‌فرمایند: «...در هر برهه‌ای از زمان، راهکارهای عملی مورد نیاز است... آنچه شما سؤال می‌کنید -یعنی نسل جوان ممکن است سؤال کند و یک سؤال مستتری است- همین است که بالاخره راهکار عملی برای اینکه ما بتوانیم به عنوان یک جوان وارد میدان بشویم چیست؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم...» مدل عملیاتی این مسیر هم «آتش به اختیار» است. یعنی معطل هیچ ارگان و نهادی نباید ماند. اگر دستگاه‌های دولتی و دیگریانی به کمک آمدند چه بهتر، و گرنه خودمان باید بزنیم به خط. البته این بدین معنا نیست که ما منتزع از حکومت و دستگاه‌های دولتی کار می‌کنیم. بلکه با تعامل فعالانه با دستگاه‌های مربوط اما بدون در انتظار ماندن و معطل ماندن حمایت آنان به میدان می‌رویم.

آخرین نکته اینکه شاخص اصلی فعالیت جهادی، نقش‌آفرینی در میدان است. یک وقتی سردار جعفری می‌گفت ما در جنگ فهمیدیم که مدل عملیات در میدان طراحی می‌شود نه در ستاد! مثال معروفی که در این زمینه می‌زنند آموزش شناسست. شما در کلاس درس، صد ساعت هم تئوری آموزش شنا بدهی، فایده‌ای ندارد. بلکه باید به آب زد. بنابراین بایستی توجه کنیم هیچ طرح و الگوی کارآمدی از اتاق‌های دربسته و بیگانه با میدان، درنخواهد آمد.